

ضرورت تعیین دقیق مسأله

در پژوهش «محاسبه‌پذیری اختیار» در مبانی مختلف فلسفی

موضوع پژوهش «مطلق اختیار» نیست، بلکه هدف بررسی «محاسبه‌پذیری اختیار» در مبانی مختلف فلسفی است؛ این‌که بدانیم در کدام مکتب فلسفی و بر اساس کدام نظریات علمی می‌توان اختیار را محاسبه کمی نمود. بنابراین لازم است به دقت «مسأله» مورد نظر در این پژوهش را تعریف کرد، تا طرح پژوهش بتواند مسیر درستی پیدا نماید.

دیدگاه‌های مختلف در طرح و تبیین مسأله

۱. حجة الاسلام ... ارائه دیدگاه مکاتب مختلف درباره «مطلق اختیار» کار خوبی است، ولی مسأله ما نیست. مسأله ما «کیفیت و کمیت و رابطه آن‌ها با هم» است. این موضوع را در «اختیار» بررسی می‌کنیم. اساساً باید ببینیم از نگاه فلسفی «کیفیت اختیار» با «کمیت اختیار» چه نسبتی دارد. منظور از «محاسبه‌پذیری اختیار» نیز همین است. لذا نیاز است ابتدا موضوع پژوهش به درستی تبیین گردد. ما کاری به ادله اثبات یا رد اختیار مثلاً نداریم اصلاً.

۲. موشح: روش طرح مسأله وابسته به مخاطب پژوهش است؛ اگر مخاطب «حوزوی» است، مسأله این‌طور طرح می‌شود که آراء یک به یک طرح می‌شود و عدم امکان محاسبه در آن‌ها ثابت می‌گردد، تا به آخرین نظریه می‌رسیم. اما اگر مخاطب «دانشگاهی» باشد، به گمانم باید آن‌طور که دکتر ... فرمودند ابتدا دسته‌بندی «ناسازگارباوری» و «سازگارباوری» را طرح کنیم، سپس تمامی آراء را ذیل این دو جمع نموده و به صورت کلی امکان محاسبه‌پذیری را در آن‌ها بررسی کنیم. چه بسا رشته تخصصی مخاطب یا همان کارفرمای پروژه نیز مهم باشد؛ فیزیکدان است مثلاً یا ریاضیدان.

۳. دکتر ...: در غرب بسیاری از مکاتب می‌گویند اختیار اصلاً قابل محاسبه نیست به دلیل این‌که هر چه محاسبه‌پذیر باشد متعین است، از پیش تعیین شده. پس به دلیل این‌که از پیش تعیین شده، دیگر اختیار در آن معنا ندارد. اختیار و تعین با هم سازگار نیستند. پس اختیار نمی‌تواند قابل محاسبه باشد. در این نوع نگاه که یکی از نگاه‌های مهم غربی است، محاسبه‌پذیری اختیار به بن‌بست می‌رسد. ولی از منظر شیعه، وقتی حضرت امیر (ع) می‌فرمایند: از قضای الهی به قدر الهی پناه بردم؛ امر بین‌الامرین که گفته می‌شود، هم تعین در آن هست و هم اختیار. پس به جای این‌که تک‌تک آراء مکاتب را جمع کنیم، می‌توانیم آن‌ها را ذیل این دسته‌بندی‌ها قرار دهیم و ادله آن‌ها که مشترک است را بررسی و نقد کنیم. به این ترتیب سریع‌تر می‌توان به نتیجه رسید. پله اول بحث، امکان محاسبه‌پذیری اختیار شیعی است؛ آیا این نوع اختیار محاسبه‌پذیر هست؟!

۴. موشح: برای طرح صحیح مسأله، باید بدانیم هدف واقعی این پروژه چیست. آیا قصد ما این است که حقیقتاً بگردیم، شاید مبنایی فلسفی بیابیم که می‌تواند اختیار را محاسبه کند؟! یا این‌که ما یقین داریم هیچ مکتب فلسفی قادر به محاسبه اختیار نیست و ما نظریه‌نهایی را داریم، صرفاً برای اقناع کارفرما، برای این‌که سایر پروژه‌های ما را بپذیرد، این پژوهش را انجام می‌دهیم. مثال: حجة الاسلام سیدشمس‌الدین حسینی فرمودند: ما به دنبال ریاضیاتی هستیم که بتواند حرکت بالاختیار را محاسبه نماید و خواستند شبیه کاری که دکارت انجام داده و حرکت جبری را محاسبه نموده با استفاده از ابداع مختصات دکارتی، برای حرکت اختیاری انجام دهیم. بنده یک ایده‌ای را ارائه کردم، سپس ایشان فرمودند که ما ریاضیات اختیاری را داریم و معتقدیم همان روش تولید تعاریف کاربردی استاد حسینی (ره) است. بنابراین هدف ایشان از طرح آن بحث، صرفاً متقاعد نمودن مخاطب به مقصود خود بود. اگر این پروژه چنین هدفی دارد، باید طرح مسأله به صورتی اقناعی پیش برود. اما اگر واقعاً دنبال تعریفی از اختیار می‌گردیم که محاسبه‌پذیری را ممکن سازد و با دیدی باز و به دور از قضاوت پیشینی باشد، طرح مسأله طور دیگری می‌شود.

۵. دکتر ...: مسأله ما این‌طور طرح می‌شود که ما می‌خواهیم برای تغییر و توسعه در حوزه علوم انسانی برنامه‌ریزی کنیم و این نیازمند محاسبه است. اثبات این دیگر نیاز به پاسخ‌های حجج الاسلام سیدشمس‌الدین حسینی و ... دارد. اصلاً هدف این است. از این نقطه آغاز می‌کنیم. عنصر محوری در علوم انسانی اختیار است و ما نیاز داریم تا آن را محاسبه نماییم. برای این‌کار یا باید دستگاهی موجود داشته باشیم که بتواند محاسبه نماید و یا دستگاهی مطلوب. دستگاه‌های موجود بر دو دسته هستند؛ یا اصولاً اجازه محاسبه را نمی‌دهند و یا اگر اجازه می‌دهند، یا خودشان محاسبه می‌کنند، اشتباه می‌کنند و به جای محاسبه اختیار، چیز دیگری را محاسبه می‌نمایند.

۶. آقای ...: می‌شود دو مسأله را با هم جمع کرد. برای این‌که هم یک کار عام‌المنفعه بشود و هم به موضوع نیاز خود ما باز گردد، هم اختیار را موضوع قرار بدهیم و به آن پردازیم و هم بحث محاسبه‌پذیری آن را. تمامی آراء درباره اختیار را بیاوریم، ولی انسجام داشته باشد و حول محاسبه‌پذیری گرد بیاید. مباحث را از کیفیت اختیار تنزل ندهیم و صرفاً به محاسبه‌پذیری اکتفا کنیم. بگوییم «کیفیت اختیار و رابطه آن با محاسبه‌پذیری» تا بشود مباحث پیشینی را هم آورد. حتی علّت‌ها را هم ذکر کنیم، مثلاً آن‌هایی که علّت اختیار را فیزیولوژیک تبیین می‌کنند، شاید این به محاسبه‌پذیری نزدیک باشد. همه مباحث اختیار آورده شود، اما با پیوستگی و انسجام، نه به صورت گتره‌ای. با دقت عنوانی انتخاب شود و سپس یک پلن به صورت مشترک برای آن مشخص شود و فصل‌بندی‌ها و ریزموضوعات آن تعیین گردد.

۷. دکتر ...: ما تا جایی وارد بحث اختیار می‌شویم که به محاسبه‌پذیری ارتباط دارد و حدود تعیین‌کننده محاسبه‌پذیری اختیار این چند مفهوم هستند: «کیفیت»، «کمیت»، «امکان»، «ضرورت»، «تعین». در واقع، اختیار در کنار امکان و کیفیت و کمیت نشسته است و با هم گفتگو می‌کنند، تا حدود و ثغورشان مشخص شود. اندک مکاتبی وجود دارند که دقیقاً به سراغ محاسبه‌پذیری اختیار رفته باشند. بنابراین مکاتبی که درباره ضرورت و

امکان و تعیین اختیار هم صحبت کرده باشند، موضوع بحث می‌باشند، این‌ها به طور بالقوه با محاسبه‌پذیری موافق یا مخالف‌اند. ما باید لوازم و اسباب محاسبه‌پذیری را بسنجیم. به عنوان مثال، آن‌هایی که تعیین را با اختیار قابل جمع دانسته‌اند، می‌توانند به محاسبه‌پذیری اختیار هم معتقد باشند.

دیدگاه‌های مختلف در روند بررسی مسأله

۱. موشح: آراء هر کدام از مکاتب فلسفی به صورت مستقل نگارش یابد؛ تعریف اختیار از نظر آن مکتب و امکان محاسبه‌پذیری اختیار در آن تعریف بررسی گردد. در صورت ناممکن بودن، دلایل رد آن نظریه بیان گردیده و سپس به سراغ مکتب بعدی برویم، تا در نهایت به دیدگاه فرهنگستان برسیم.

۲. دکتر ...: حتماً باید ابتدا یک کتابی تدوین شود، تا نظریات کلی و پایه و مفهوم‌شناسی درباره محاسبه‌پذیری اختیار در آن بیان گردد، سپس شاخه شاخه شود و به مکاتب مختلف پردازد.

۳. موشح: در روش دوم، می‌شود آراء تمامی مکاتب فلسفی را به صورت مقایسه‌ای و در کنار هم مورد ارزیابی قرار داد. به این صورت که تعاریف اختیار در تمامی مبانی ذکر شود و دسته‌بندی گردد و سپس از منظر امکان محاسبه‌پذیری یا ادعای محاسبه مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۴. آقای ...: در مکاتب فلسفی اسلامی از «محاسبه‌پذیری اختیار» سخنی به میان نیامده است و نمی‌توان در این خصوص ادعایی را از جانب آنان طرح کرد. بنابراین بررسی تک‌تک مکاتب فلسفی اسلامی، مستقل از مقایسه آن‌ها با مبانی غربی نسبتی روشن با «محاسبه‌پذیری» پیدا نکرده و کاری ابتر است، ناگزیر باید آن‌ها را در کنار هم نقد و بررسی نمود.

۵. موشح: در مبنای فلسفی فرهنگستان نیز به صراحت از «محاسبه‌پذیری اختیار» بحث نشده است. بلکه حجة الاسلام سیدشمس‌الدین حسینی می‌فرمایند که روش تولید تعاریف کاربردی همان ابزار محاسبه اختیار است. لذا این ادعا تازه مطرح شده است و ظاهراً مستندات آن در منابع فرهنگستانی موجود نمی‌باشد.

۶. موشح: با توجه به حجم بالای منابع و تنوع مکاتب فلسفی، بهتر است تقسیم کار شود و بررسی مبانی مختلف بر عهده افراد مختلف قرار گیرد.

۷. آقای ...: جمع‌آوری اطلاعات درباره مکاتب مختلف به صورت تیمی و گروهی انجام شود، ولی در نهایت مدون نمودن محصول نهایی بر عهده یک نفر قرار بگیرد.

۸. دکتر ...: کار به صورت برگزاری جلساتی مشترک به انجام برسد و در آن‌ها مبانی مختلف طرح شده و بررسی گردد. در نهایت آقای موشح مباحث را تدوین نمایند.

۹. دکتر ...: در نقد و بررسی آراء اندیشمندان در خصوص محاسبه‌پذیری اختیار، باید «بستر» پیدایش نظریات آنها مورد دقت قرار بگیرد. مثلاً احادیثی از ائمه (ع) جمع‌آوری شده که درباره با اختیار دیدگاه صحیح را تبیین نموده‌اند و بستری برای پیدایش نظریات فلاسفه شیعه شده‌اند. بنده این نظریات را در احادیث امام صادق (ع) قبلاً استخراج کرده‌ام و حدود و صغور آن را مشخص کرده‌ام.

۱۰. موشح: اگر بخواهیم وارد «حدیث» بشویم، یک فاز چهارمی به پروژه افزوده می‌شود؛ ^① اندیشمندان مسلمان، ^② اندیشمندان غربی، ^③ فرهنگستان علوم اسلامی و ^④ اختیار در احادیث. در این صورت باید به صورت عمیق به جستجو و مطالعه پرداخت تا چیزی جا نماند و کار قابل استدلال باشد.

۱۱. دکتر ...: این کار قبلاً انجام شده و دیدگاه‌های مطرح در احادیث شیعه جایگاه روشن و مشخصی دارند و نیاز به تحقیق دوباره نیست. ارجاعات آن نیز در کتاب‌هایی مانند اصول کافی پیدا شده و پراکندگی ندارد تا نیاز به تحقیقی مفصل داشته باشند. این‌ها را من در جلسات گروهی طرح می‌کنم. مثلاً در دیدگاه اشاعره کتاب «تمهیدات» قبلاً بررسی شده که باب‌ها و صفحات آن را من عرض می‌کنم و شما کافی‌ست تتبع مختصری بنمایید.

۱۲. آقای ...: دو پروژه می‌شود؛ یک کلان‌پروژه و یک پروژه خُرد، با هدف‌گذاری مشخص، کاملاً در راستای کار ما، محاسبه‌پذیری اختیار، تخصصی‌تر، با مطالبی کمتر، ولی با عمق بیشتر.

۱۳. موشح: می‌توانیم به جای یک محصول خروجی، چند کتاب با عناوین مختلف تدوین نماییم؛ مثلاً نقد و بررسی آراء ابن سینا درباره اختیار. سپس با یک فروست؛ محاسبه‌پذیری اختیار، همه را با هم مرتبط نماییم و تبدیل به یک مجموعه شود. به این ترتیب ما یک دائرةالمعارف اختیار پدید خواهیم آورد که جای آن خالی‌ست و مرجع پژوهشگران قرار خواهد گرفت.

۱۴. دکتر ...: این شبیه به صراط و سُبُل است. یک صراط واحدی باید وجود داشته باشد، تا سُبُل بر محور آن تنظیم گردد.

پایان

